

## به مناسبت چهل و دومین سالگرد حزب کمونیست ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران را به همه رفقایم در صفوف کومه‌له و همه کمونیست‌ها و کارگران ایران تبریک می‌گوییم. حزب کمونیست ایران در ۱۱ شهریور سال ۱۳۶۲ تاسیس شد. این حزب بعد از چهار دهه فعالیت پیگیرانه، برای همان اهدافی مبارزه می‌کند که در بیانیه پایانی کنگره موسس آمده است:

حزب کمونیست ایران برای همان هدفی مبارزه می‌کند که کمونیست‌های انقلابی جهان از مانیفست کمونیست تا امروز برای دست‌یابی به آن قاطعانه جنگیده‌اند.

ده‌ها سال عملکرد مخرب رویونیسم و تاثیرات زیان‌بار آن بر جنبش کارگری و کمونیستی، حزب کمونیست، عصر ما را با شرایط عینی ویژه‌ای روبه‌رو ساخت.

پیام کنگره موسس‌اش خطاب به کارگران ایران چنین گفت:

کدامیک از شما هنوز نمی‌داند که راه نجات ما از این همه مشقت و تیره‌بختی، از این همه محرومیت و بی‌حقوقی اتحاد و همبستگی ماست؟ کدامیک از شما هنوز نمی‌داند که ما کارگران، بدون اتحاد و بدون قدرت متشک و مستقل خود، حتی در فردای توده‌های ترین قیام‌ها و پی‌رحمانه‌ترین تسویه حساب‌ها با حاکمان جبار و ستمگر، نصیبی جز آن‌چه امروز عایدمان شده است نخواهیم داشت؟ بی‌شک رمز پیروزی ما اتحاد و همبستگی ماست.

حزب کمونیست ایران در دل مبارزه و نبردکنان متولد می‌شود. از کردستان انقلابی که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له)، رهبر یک جنبش توده‌ای و سازمانده یک جنبش انقلابی است، تا شهرهای سراسر ایران که فعالیت کمونیستی می‌باید در سیاه‌ترین شرایط اختناق و ترور پلیسی ادامه یابد، حزب ما برای سازماندهی صف متحد و مستقل طبقه کارگر ایران مبارزه می‌کند. حزب ما، حزب کارگران، حزب تهمی‌دستان و محرومانی است که برای حکومت کارگری، الغای مالکیت خصوصی و برای سوسیالیسم مبارزه می‌کند.

۴۲ سال پیش حزب کمونیست ایران در ادامه مبارزات پیگیرانه کومه‌له و برخی سازمان‌های دیگر، بر علیه افکار خرده بورژوازی جنبش چپ ایران، تشکیل شد. در آن دوران، رجعت به مارکس و انگلس و تاکید بر تئوری مارکسیسم، روش‌ها، سبک کار و سنت‌های فعالیت کمونیستی و تحزب‌یابی کارگران، کارچندان آسانی نبود. به خصوص جریان پرورس و تا حدودی مائوئیسم بر جنبش چپ ایران غالب بود. این هم کار کمونیستی را دشوار می‌کرد. اما فعالیت نسل جوان مبارزین کمونیست بر متن این تجارب و سنت‌ها در جریان بود و تداوم داشت. با این حال طبقه کارگر ایران در صحنه انقلاب ۵۷، زمینه مادی شکل‌گیری و رشد مارکسیسم انقلابی در ایران را فراهم آورده بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ آن آگاه‌گری طبقاتی و زمینه مادی را فراهم آورد که کمونیست‌های انقلابی طرف تشکل طبقاتی خود را پیدا کنند.

در واقع تشکیل حزب کمونیست ایران، آن‌هم در شرایطی که جمهوری اسلامی به عنوان یک جریا ضدانقلابی بر جامعه حاکم شده بود و برخی از جریان‌های سیاسی چپ مانند رزمندگان و پیکار از بین رفته بودند و بقیه سازمان‌های چپ نیز در ازوا و پراکندگی به سر می‌بردند، تشکل حزب کمونیست ایران یک واقعه مهم تاریخی و جواب واقعی به خواست و آرزوی کمونیست‌های انقلابی بود. تشکل این حزب، نه تنها حاصل تلاش انقلابیون کمونیست‌هایی بود که در صفوف کومه‌له و اتحاد مبارزان کمونیست فعال بودند، حاصل تلاش کمونیست‌هایی است که در درون سازمان‌های پیکار، رزمندگان، وحدت انقلابی، رزم انقلابی و یا از چریک‌های فدایی جدا شده بودند نیز بود.

تشکل حزب کمونیست ایران، جواب به یک ضرورت سیاسی- طبقاتی و تاریخی آن دوران بود. اهداف اصلی آن عبارت بودند از:

\* سرنگونی جمهوری اسلامی: اصلی‌ترین هدف، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و پایان دادن به دیکتاتوری حاکم بود.  
\* برقراری جامعه سوسیالیستی: هدف بلندمدت حزب، ایجاد یک جامعه سوسیالیستی در ایران بود که در آن طبقات استثمارگر حذف شده و حقوق برابر برای همگان تضمین شود.

\*رهبری مبارزات: این حزب تلاش می کرد رهبری مبارزات طبقاتی و مبارزات کارگری را در ایران بر عهده گیرد و مردم را برای رسیدن به اهداف سوسیالیستی سازماندهی کند.

\*تامین حقوق کارگران و همه محرومان جامعه: یکی دیگر از اهداف مهم، تامین حقوق و منافع طبقه کارگر و سایر مزدبگیران و محرومان جامعه و بهبود شرایط زندگی آنها بود.

یک پای اصلی تشکیل حزب کمونیست ایران، کومه‌له بود. تشکیلات کومه‌له حدود ۵۶ سال قبل در پائیز سال ۱۳۴۸ فعالیت مخفیانه خود را آغاز کرد و پس از ۹ سال و چند ماه فعالیت مخفی، به دنبال جان‌باختن رفیق «محمد حسین کریمی» از بنیان‌گذاران کومه‌له که در گرماگرم قیام و خروش مردم ایران علیه رژیم شاه، در پیشاپیش صفوف مردم بپاخاسته و انقلابی شهر سقز در روز ۲۳ بهمن در حمله به شهربانی این شهر هدف گلوله ماموران حکومت شاه قرار گرفت و در روز ۲۶ بهمن با دلی آکنده از عشق به رهائی کارگران و محرومان جان‌باخت، فعالیت علنی خود را آغاز کرد.

این تشکیلات در طول ۹ سال فعالیت مخفی‌اش با کم‌ترین امکانات تبلیغ وسیع و غیر مستقیم (شب‌نامه، اعلامیه و...) و هم‌چنین پس از انقلاب علنی به کار ترویجی و ارتباط مستقیم و ارگانیک، سازماندهی، تشکیلات مخفی-علنی و صدها کادر خوش نام و سازمانده در صفوف خود را برای موقعیت انقلابی آماده کرده بود. کومه‌له با صدها روشنفکر انقلابی در کردستان و دیگر شهرهای ایران (به خصوص تبریز، تهران و...)، ارتباط نزدیکی داشت شرایط امنی برای کمونیست‌ها به وجود آورده بود. اما شهرهای دیگر ایران، چندان امن نبودند و در همه جا نیروهای ضدانقلابی وابسته به حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی، حضور پرنگی داشتند. در چنین شرایطی، طبیعی بود که حزب کمونیست ایران در کردستان نسبتاً امن بود و با حضور هزاران پیشمرگ کومه‌له تشکیل شود.

نقاط قوت حزب کمونیست ایران:

سازماندهی تشکیلات فراگیر: حفظ و ارتقاء سازماندهی تشکیلات در سطح داخلی و بین‌المللی، به ویژه با تلاش برای ایجاد اتحادهای سیاسی.

سیاست‌های انترناسیونالیستی؛ در جهت تلاش برای وحدت سراسری ایران و در عین حال ترویج ایده‌های بین‌المللی کمونیسم.

ترجمه متون تاریخی کمونیستی و نقد کمونیسم روسی.

همین نقاط قوت سبب شد که حزب کمونیست ایران، از هر نظر به بزرگ‌ترین حزب کمونیست خاورمیانه تبدیل شود.

نقاط ضعف:

تضعیف پایگاه کارگری: کاهش قدرت نفوذ حزب در درون طبقه کارگر و سایر اقشار دیگر.

نقاط ضعف:

انشعابات پی در پی: انشعابات متعدد درونی که حزب و کومه‌له را تضعیف و نفوذ آن را کاهش داد.

پیچیدگی گاهش‌ها ملی در ایران به ویژه مناطق کردستان.

دشواری در ایجاد اتحاد و همگرایی با سایر نیروهای چپ و دموکراتیک.

کومه‌له در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ به یک جریان اجتماعی تبدیل شد. تشکیل شوراهای، شورای شهر سنندج و بنک‌های محلات در دیگر شهرها و روستاهای کردستان، اعتصاب عمومی مردم شهر سنندج علیه حضور پاسداران در باشگاه افسران و مزاحمت‌هایشان، کوچ تاریخی مردم شهر مریوان در سال ۱۳۵۸، راهپیمایی اعتراضی مردم سقز و سنندج به سمت مریوان، جنبش مقاومت مسلحانه توده‌ای، سلسله اقدامات انقلابی و مردمی بودند که هدفش تقویت جنبش کارگری و آزادی‌خواهی بود.

تشکیل اتحادیه زنان، صندوق بیکاران، اتحادیه کارگران، جمعیت دانش‌آموزی، جمعیت معلمان، جمعیت‌ها و کانون‌های انقلابی و دیگر ارگان‌های توده‌ای، از اقدامات مهم دیگر کومه‌له بود. از سال‌ها قبل تقویت شده بود.

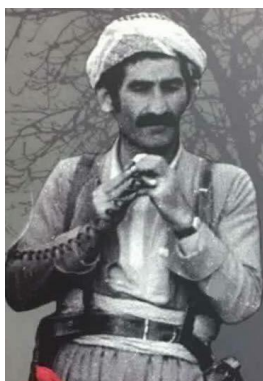
کاک فواد سلطانی، در رابطه با فعالیت‌های کومه، گفته است: «ما معتقدیم که هر گونه مبارزه با فرصت‌طلبان، مبارزه با دولت و هر چیز دیگر باید ابتدا بر پایه توده‌ای بنیان شود. یعنی اگر ما پایگاه توده‌ای و مردمی داشته باشیم و چنان شد که توده‌ها از اهداف و آرمان‌هایمان دفاع کنند آن وقت می‌توانیم قرص و محکم مبارزه کنیم. می‌توانی اعلامیه صادر کنی، محکوم کنی... ولی مادام چنین وضعیتی بوجود نیاید به این می‌ماند که عده‌ای روشنفکر از راه دور (از اروپا) اعلامیه بدهند.»<sup>۱</sup>

«اعلام مواضع ما در جزوه‌ای در سال ۱۳۵۰ بدون نام و تحت عنوان «چرا پراکنده‌ایم؟ چگونه متحد شویم؟» منتشر شد. از نظر رهنمود همان زمان این را اعلام کردیم که برای کار در میان توده‌ها بهترین راه شرکت در کار تولیدی و خلاصه رفتن به

سمت زحمت‌کشان است. همین شد که بعدها مدتی این مسئله برایمان مطرح بود که عین همان را دوباره منتشر کنیم ولی حقیقتش این است که ما انتقادهایی به آن داریم. البته بعضی تضادهای درونی کومه‌له نیز باعث شد که این کار عقب بیافتد. غیر از آن نقایص درونی مسئله دیگری که هست کلاً اهمیت دادن به این مسئله که از قبل پایگاه توده‌ای داشته باشیم. تا به حال چندین بار و از قبل از زمانی که اعلام موجودیت کردیم به فکر افتادیم که این مواضع را اعلام کنیم. چند اشکال داشت. یکی این که می‌خواستیم خیلی مفصل این کار را انجام دهیم. این هم به تحقیق بیشتری احتیاج داشت. مخصوصاً تجدید نظر و انتقاد از مواضعی که در گذشته وجود داشت. مقداری از مطلب تهیه شد. ولی کسانی که مسئول کار بودند به نوعی از زیر کار فرار کردند. نه اینکه عمداً فرار کنند، نه. آن‌ها دنبال کاری عملی می‌رفتند که واقعاً دیگر نمی‌توانستند آن کار را انجام دهند. از این نظر ما مقداری متضرر شده‌ایم. منتهی به نظرم تا آنجایی که رفقای ما در میان توده‌ها کار کرده‌اند، واقعاً ضرر نکرده‌اند. به عقیده‌ی من کار در میان توده‌ها در مجموع نفع داشته است.»<sup>۲</sup>

«حقیقتش این است که در چند سال گذشته سازمان ما دچار بعضی ناهماهنگی‌های درونی شد. اصل کارها به همین برمی‌گردد. در واقع در طول مبارزات درونی سازمان دوره‌ای رکود پیش آمد. اینهم عبارت است از ضرباتی که سازمان خورد هم از طرف دشمن و هم در درون. باعث شد انحطاطی در کار پیش بیاید. یکی این که کار در میان روشنفکران به حداقل رسیده بود. شعار اینکه باید به صورت حرفه‌ای به میان توده‌ها برویم مطرح شد ولی مدت‌ها این کار صورت نمی‌گرفت. روز به روز این حرف تکرار می‌شد و انجام نمی‌گرفت. مخصوصاً این انحراف در سطح رهبری وجود داشت. شعار رفتن به میان توده‌ها سر داده می‌شد، افراد ساده انجام می‌دادند ولی خودشان انجام نمی‌دادند. و همین باعث بروز انحطاط در درون سازمان شده بود. از لحاظ فعالیت تبلیغاتی، سیاسی و مبارزه‌ی درونی دچار انحطاط شده بودیم. بعضی از افراد رهبری برای مدتی اصلاً فعالیت عملی و سیاسی را کنار گذاشته بودند و برای مردم سخن می‌گفتند. این انحطاط بعد از مدتی بالاخره به یک مبارزه‌ی درونی منجر شد و باید این مشی تغییر می‌کرد. با اینکه قبل از آن و مخصوصاً در دوره‌ی حکومت شاه مطرح شده بود که باید به صورت حرفه‌ای و تمام وقت (به کردی لئوپراونه) به میان زحمتکشان برویم و اصلاً تغییر موقعیت طبقاتی بدهیم. به لحاظ عملی بالاخره کاک محمد حسین کریمی دل به دریا زد (لئوپرا) و این کار را انجام داد و عده‌ی دیگری هم به همین شکل. ما به این نتیجه رسیدیم، البته من آن زمان در زندان بودم (کاک فواد از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ به مدت سه سال از ندان خود را در زندان قصر و یک سال آخر را در زندان سنندج حکومت‌پهلوی گذراند). رفقا به این نتیجه می‌رسند که قبل از حل کردن مسئله نشریه و فلان، اساساً تجدیدپذیر باشند. و این به کمک کار در میان زحمت‌کشان ممکن می‌شد. من هم بعد از آن که از زندان آزاد شدم عیناً به این نتیجه رسیدم. با توجه به انحرافات که وجود داشت اگر ما از قبل با کار در میان توده‌ها و با مبارزه در میان توده‌ها خودمان را اصلاح نکنیم، هیچ کار دیگری فایده ندارد. و خود این مسئله تبدیل به برنامه‌ای برای ما شد که اساساً در سطوح مختلف ارزش و اهمیت زیادی به این کار عملی داده می‌شد. علت اصلی اینکه هر کدام از این کارها عقب افتاد، مسئله‌ی ارگان، مسئله‌ی اعلام مواضع و... اساساً به همین موضوع برمی‌گردد. ما تصمیم داریم این موضوع‌ها را به صورت مستقل مطرح کنیم، یعنی بررسی کنیم که انحراف‌ها کدام‌اند؟ البته مختصراً در یادنامه‌ی رفقا این مسائل را مطرح کردیم. جوهر اصلی مسئله به همین جا برمی‌گردد.

منتهی فقط این نبود. رخدادهای ایران و کردستان آن قدر وسیع و بزرگ بود آن قدر کار و امکانات زیاد بود حداقل در مورد سازمان ما، یکی از نقایص بزرگ و کمبودها، کمبود کادر بود. مخصوصاً کادرهایی که زبان توده‌ها را بلد باشند و بتوانند به سازماندهی توده‌ای بپردازند. ما با چنین مشکل بزرگی روبرو شدیم. ریشه اصلی به انحرافات درونی برمی‌گردد که به نظر من روی هم رفته تغییرات خوبی ایجاد شده است. نمونه‌ی مشخص‌اش رفقای که دچار انحطاط شده بودند به برکت رفتن به میان توده‌ها کاملاً احیا شده‌اند و به یک عنصر انقلابی تبدیل شده‌اند. وقتی بعد از انحطاط دوره‌ی رشد و اعتلا شروع شد کار روی غلطک می‌افتد و خودبخود بقیه کارها راست و ریس می‌شود. برای پاسخ دادن به این سؤال که وقتی متوجه نقایص و کمبودها شدید چرا برای رفع و اصلاح‌اش عمل نکردید؟ مقدار زیادی ناشی از این است. مثلاً برای نمونه در مورد شخص خودم می‌گویم. زمانی که از زندان آزاد شدم عقیده‌ی شخصی و برنامه‌ام این بود (البته هنوز انفجارهای انقلاب ایران رخ نداده بود) زمانی که بیرون آمدم نهایتاً بعد از چند روزی به میان زحمت‌کشان می‌روم. همان کاری کاک محمد حسین و دیگر رفقا انجام دادند. منتهی در مقابل این وضعیت دیدم که وضعیت تازه‌ای به میان آمده است امکانات تازه‌ای بوجود آمده است. مخصوصاً در زندان این مسئله برایمان مطرح شده بود که باید به میان زحمت‌کشان بروم. می‌خواهم این کار را انجام بدهم، ولی ضرورت تشکیلاتی چیز دیگری را تحمیل می‌کند. این است که کم تا بیش برای اکثریت رفقا چنین مطرح شد که باید برای مبارزه با انحرافات که قبل از این وجود داشته است تک تک رفقا باید به میان توده‌ها بروند و به این فعالیت عملی مشغول شویم. این جنبه‌ای مثبت است که از جنبه‌ی منفی ناشی شده است. در واقع نقص‌هایی که ما امروز داریم شلاق دوره‌ی گذشته است، شلاق دوره‌ی انحطاط است.»<sup>۳</sup>



رفیق فواد مصطفی سلطانی در جمله مشهورش می گوید: «روزی که خورشید تابناک حزب کمونیست ایران طلوع می کند، روز رستاخیز سرخ زحمتکشان را نوید می دهد و آن روز، روز آب شدن برفهای ستم است. رفقا! خورشید را بجنبانیم!» کاک فواد در تابستان ۱۳۵۸ - ۱۹۷۹، در پاسخ به سؤال رفقای مهاباد در مورد ضرورت تشکیل حزب کمونیست چنین می گوید: «حقیقتش این است که این مسئله به طور کلی در بین ما حل نشده است. یعنی دو نظر در بین ما وجود دارد. عقیده شخصی من این است که اساسا باید حزب کمونیست ایران بوجود بیاید، منتهی حق مسلم مردم کردستان هم هست که حزب کمونیست کردستان را داشته باشند و این را تحولات و شرایط تاریخی تعیین می کند که حزب مستقل کمونیست کردستان را ایجاد کرد یا ایجاد نکرد. بستگی به تحولات مبارزه‌ی طبقه کارگر در ایران دارد. اگر مبارزه‌ی مجموعه‌ی ایران اساسا به سمت وحدت برود الزامی است که حزب کمونیست ایران به وجود بیاید و این وظیفه ماست که به این سمت حرکت کنیم، نه فقط در شعار بلکه به لحاظ عملی و مستقیما در صفوف طبقه کارگر ایران و به نفع این طبقه باید چنین کاری کرد. (حزب کمونیست ایران را تشکیل داد) این یکی از موضوعاتی است که در بین ما وجود دارد و باید به نوعی حل شود. این نظر من بود. نظر دیگری هم وجود دارد که فقط معتقد به حزب کمونیست ایران است.» ۴

چهار سال بعد از جان باختن کاک فواد یعنی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ حزب کمونیست ایران در یک کنگره موسس تشکیل شد.

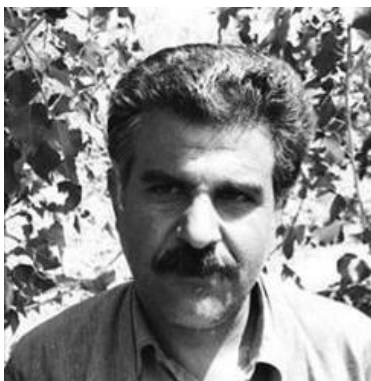


رفیق جان باخته دکتر جعفر شفیع که خود از کادرهای قدیمی کومه‌له و از رهبران اصلی حزب کمونیست ایران بود در پنجمین سالگرد تاسیس حزب چنین گفته است:

«حزبی که دستاوردهای طبقه کارگر را به قیمت اتحاد با لیبرال‌ها و چپ نماها بفروشد اساسا نمیتواند حتی ادعا کند چپ هم هست. حزبی که از زاویه طبقاتی به مسائل نگاه نکند نمیتواند کمونیست باشد چون یک حزب کمونیست باور عمیقی به جایگاه طبقه کارگر و مسائل طبقاتی دارد. حزب کمونیست ایران با باور عمیق به مارکسیسم انقلابی و تکیه به هزاران کارگر آگاه و کمونیست و در تقابل با رویزیونیسم حاکم بر چپ ایران تشکیل شد...»

بزرگداشت سالگرد تشکیل حزب کمونیست صرفاً بزرگداشت تشکیل یک حزب کمونیست نیست. بلکه به نظر من بزرگداشت تلاش و مبارزه جدی برای تبدیل کردن کمونیسم به یک جریان اجتماعی کارگری و قدم برداشتن جدی برای فراهم آوردن ملزومات انقلاب سوسیالیستی است...

حرف آخر من این است که حزبی نظیر حزب کمونیست ایران که چنین مبارزه تاریخی سرنوشت سازی را در دستور خود دارد دستاورد طبقه کارگر است. این دستاورد را باید حفظ کرد. هر کارگر پیشرو و انقلابی باید از آن دفاع کند؛ هر انسان آزادیخواه که خواهان رهائی است باید جدا از آن دفاع کند. این دستاورد را باید با دل و جان حفظ کرد!  
زنده باد کمونیسم! زنده باد حزب کمونیست ایران! زنده باد طبقه کارگر!



رفیق صدیق کمانگر از کادرهای با سابقه کومه‌له و رهبران حزب کمونیست ایران دو روز قبل از جانباختن یعنی در ۱۱ شهریورماه سال ۱۳۶۸ در مراسم بزرگداشت آغاز هفتمین سال تاسیس حزب کمونیست ایران که در یکی از مقرات مرکزی کومه‌له برگزار شده بود سخنرانی کرده بود. متن سخنان وی در نشریه «پیام»، نشریه صدای انقلاب ایران (راديو کومه‌له)، شماره ۵۱ به تاریخ نیمه اول شهریور ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است:

«کارگران ایران اکنون دیگر ۶ سال است که صاحب حزب کمونیستی شده‌اند. تشکیل حزب کمونیست ایران که ۶ سال قبل در چنین روزی اعلام گردید مژده‌ای بود برای کارگر ایرانی، مژده این که دیگر از این پس، آن ستاد انقلابی‌ای که می‌تواند و باید انقلاب اجتماعی سوسیالیستی طبقه کارگر را سازمان دهد و متحقق کند به وجود آمده است. به همین دلیل است که ما می‌گوییم بوجود آمدن و تشکیل حزب کمونیست ایران برای طبقه کارگر ایران یک دستاورد بود.

با تشکیل این حزب که خود محصول و نتیجه انکشاف و عمیق شدن مبارزه طبقاتی کارگران و قدرت نمایی این طبقه اجتماعی در جریان انقلاب ۵۷ و ظهور مارکسیسم رادیکال و انقلابی در ایران بود دیگر طبقه کارگر ایران صاحب حزبی شد که در طول ۶ سال که از تاسیس‌اش می‌گذرد در روشن کردن افق سوسیالیسم کارگری و بوجود آوردن صف مستقل کارگران سوسیالیست در درون جنبش کارگری ایران نقش موثری داشته است.

در کردستان نیز امروز دیگر کومه‌له بمثابه سازمان کردستان این حزب، نه تنها به محل امید و اعتماد زنان و مردان کارگر تبدیل شده است و در درون دل‌های‌شان جا باز کرده است بلکه امروز دیگر در هر گوشه‌ای از کردستان - در کارخانه و کارگاه و شرکت و کوره‌خانه و مزرعه و هرجایی که مبارزه‌ای کارگری برآه بیافتد- بی شک این مبارزه کارگری با نام کومه‌له گره خورده و کارگران کمونیست و مبارز حزب کمونیست و سازمان کردستانش را متعلق به خودشان می‌دانند، آنرا حزب خودشان می‌دانند، دوستش دارند و مانند مردمک چشم‌شان از آن مواظبت می‌کنند.

لازم است از همین‌جا خطاب به کارگران کمونیست و آن رفقای کارگری که رسماً عضو حزب کمونیست ایران نیستند بگوییم:  
رفقا!

این حزب، حزب شماس است. این حزب تنها حزب کمونیستی است که در ایران و جهان پرچم کارگر را بلند کرده با نام کارگر تشکیل گردیده و برای بنیان گذاشتن حکومت کارگری مبارزه می‌کند. مبارزه این حزب تاکنون از مبارزه شما جدا نبوده بعد از این هم باید همین‌طور باشد. صفوف این حزب باید پر از شما باشد. این حزب، حزب شماس است، بیایید و این حزب را در اختیار بگیرید و فتح کنید. تنها با فتح این حزب و با تقویت صفوف این حزب و با در اختیار گرفتن این حزب برای پیش‌برد مبارزه امروز و فردایتان می‌توانید با مصیبت و فلاکت سرمایه‌داری مبارزه کنید. تنها با حزبی این چنین می‌توانید نظام ظالمانه سرمایه‌داری را ریشه کن کنید و پایه‌های حکومت سرخ کارگری را بر روی ویرانه‌های آن بنا نهدید.

رفقا!

این حزب، حزب شماسست فتحش کنید.  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری»



جا دارد در سالگرد حزب کمونیست ایران از رفیق غلام کشاورز یاد کنیم که در سفری به قبرس به عشق دیدار با مادرش، توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی ترور شد و جان باخت.

رفیق غلام کشاورز (بهمن جوادی)، در سال ۱۳۳۴ در روستای نارهک از توابع شهرستان دوگنبدان متولد شد. در سنین نوجوانی با ادبیات اعتراضی آشنا شد و به مبارزه سیاسی روی آورد. تشکیل یک محفل کوچک «اقدام انقلابی علیه وضع موجود» در سال‌های ۵۲ و ۵۳ اولین گام او در راهی بود که به آرمان‌خواهی والای کمونیستی و مشارکتش در بنیان‌گذاری حزب کمونیست ایران منجر شد. در سال ۱۳۵۴ و از همان اولین روزهای ورودش به دانشکده کشاورزی کرج، جای خود را در محفل دانشجویان انقلابی باز کرد. مجموعه فعالیت‌های سیاسی او و مشارکت در برپایی چندین اعتراض و اعتصاب دانشجویی که آخرین آن فراخواندن موفقیت آمیز دانشجویان به پشتیبانی از خواست‌ها و اعتصاب کارگران جهان چیت تهران در اردیبهشت ۱۳۵۵ بود، منجر به دستگیری و زندانی شدنش شد. رفیق غلام در زندان، جانانه مقاومت کرد. برای کسانی که در سلول‌های مجاور فریادش را می‌شنیدند و کشیده شدن تن مجروح و دردمندش را بر کف راهروها احساس می‌کردند، ندای «گفتم که نمیدانم» اش اعتماد به نفس، امید، غرور انقلابی و توان مقاومت را دو چندان می‌کرد.

غلام با اوج‌گیری انقلاب سال ۱۳۵۷، همراه با هزاران اسیر دیگر از زندان آزاد شد. سخنرانی، تبلیغ و ترویج در کارخانه‌ها در دانشگاه‌ها و در خیابان‌های پرشور انقلاب، مشارکت در تسخیر پادگان عشرت‌آباد، تشکیل محافل و کانون‌های آموزشی-ترویجی برای کارگران و جوانان... غلام شبنه‌روز تلاش می‌کرد. اوایل زمستان ۵۸، غلام همراه با گروهی از رفقا و هم‌فکرانش به «اتحاد مبارزان کمونیست» پیوست. به دنبال ضربه به تشکیلات و پیگرد پلیس، در زمستان سال ۶۱ به مناطق آزاد کردستان رفت. در شهریور ۶۲، از اعضای کنگره موسس حزب کمونیست ایران بود. پس از کنگره غلام به عضویت در کمیته سازمانده تشکیلات مخفی حزب برگزیده شد. در سال‌های بعد و تا هنگام جان‌باختنش مسئولیت‌های مختلفی در سطح رهبری بر عهده گرفت و هم‌زمان از صاحب نظران جدی و پیگیر در رهبری حزب بود.

شبانگه چهارم شهریور ماه سال ۱۳۶۸ رفیق غلام کشاورز، در حالی که برای دیدار بستگانش به قبرس رفته بود در شهر لارناکا مورد سوء قصد تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان جان باخت.

حزب کمونیست زمانی به اهداف نهایی خود خواهد رسید که انقلاب کارگری در ایران رخ دهد و حزب کمونیست ایران و هر حزب کمونیست دیگری در چنین شرایطی به اهداف خود دست پیدا می‌کند.

اما در این چهار دهه نه جنبش کارگری و نه جنبش‌های دیگری و نه هیچ حزب و سازمان اپوزیسیون به اهداف خود نرسیده‌اند. در چنین روندی حزب کمونیست ایران هم در چنین شرایطی فعالیت می‌کند.

در چنین شرایطی، یکی از موانع مهم عدم پیشرفت جنبش‌های اجتماعی و احزاب، و به همین منوال حزب کمونیست ایران و کومه‌له سرکوب و سانسور شدیدی است که جمهوری اسلامی با اعدام و ترور به جامعه ایران تحمیل کرده است.

اما فراموش نکنیم که وجود اختلاف نظر سیاسی، انشعاب‌ها، تفاوت در متدولوژی و وجود گرایش‌های مختلف سیاسی در درون حزب، واقعیت‌های غیرقابل انکاری هستند که حزب کمونیست ایران با آن روبروست. اوضاع ایران و منطقه و جهان

نیز بسیار پرآشوب است. به همین دلایل روشن و ساده است که کومه‌له و حزب کمونیست ایران هم دچار اختلاف سیاسی است. اساسی‌ترین گرایشی که در مغایرت با برنامه و استراتژی حزب کمونیست ایران و هم‌چنین برنامه کومه‌له برای حاکمیت انقلابی مردم کردستان (حاکمیت شورائی)، همواره وجود داشته و در مقاطعی نیز به انشعابات منجر شده است.

در این میان، تحلیل‌های متفاوت و تحریفات نیز در رابطه با اختلافات، دامن زده است. به‌نظرم ویژگی و فصل مشترک مباحث مورد اختلاف این است که، در مغایرت و یا تضاد با برنامه، استراتژی سیاسی حزب، مواضع و جهت‌گیری‌های رسمی و تاکتونی کومه‌له و حزب کمونیست قرار دارند. صاحبان اختلاف هرازگاهی، گوشه‌ای از اختلاف خود را مطرح نموده‌اند. در مقابل، ازطرف دیدگاه رسمی کومه‌له و حزب هم، مواضع آنها مورد نقد قرار گرفته است.

همگان می‌دانند که شرایط جامعه ما بسیار حساس است. به‌نظرم اولویت مهم کنونی برای حزب کمونیست ایران و کومه‌له، توجه ویژه به نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران و سایر جنبش‌های اجتماعی است. اما مهم آن است که حزب صفوف خود را متحدتر و متشکل‌تر و آگاه‌تر کند. چرا که تا مشکل سیاسی درون تشکیلاتی حل نشود و جواب مناسب نگیرد، مبارزه سیاسی حزب در جامعه را محدودتر می‌کند. از سوی دیگر، ضرورت دارد که حزب به‌طور شفاف و ملموس مرزهای سیاسی-طبقاتی خود را با گرایش‌های رفرمیستی و ناسیونالیستی به‌ویژه در کردستان، ترسیم کند.

البته ناگفته نماند که در اهداف و برنامه حزب و کومه‌له به این مرزهای سیاسی-طبقاتی به‌طور شفاف تأکید گردیده است. اما سیاست‌های جاری ایران بسیار پیچیده است و حفظ این مرزها در هر شرایطی و در هر موضع‌گیری سیاسی، یک ضرورت است.

در چنین روندی، حزب باید اولویت خود را در تقویت اتحاد طبقاتی کارگران و سایر جنبش‌های آزادی‌خواه و حق‌طلب، قرار دهد.

پی‌تردید آموزش و آگاهی طبقاتی برای اعضای تشکیلات حزب و کومه‌له، بسیار ضروری است. هرچند که چنین آموزش‌های از قدیم تا به امروز ادامه دارد اما به نظر من با توجه به شرایط پیچیده امروزی باید آموزش و آگاهی طبقاتی را باز هم در اولویت قرار داد.

مفهوم آگاهی طبقاتی از کارهای کارل مارکس سرچشمه می‌گیرد. وی تأکید داشت که کارگران اگر می‌خواهند گرد هم آیند و طبقه سرمایه‌دار حاکم (بورژوازی) را سرنگون کنند و کنترل ابزار تولید را به‌دست گیرند، بایستی خود را به چشم گروهی با منافع مشترک ببینند. گرچه مارکس اصطلاح «آگاهی طبقاتی» را به‌کار نبرد، میان «طبقه در خود»، یعنی جایی که کارگران فقط رابطه‌ای عادی با ابزار تولید دارند و «طبقه برای خود» یعنی جایی که در آن کارگران سازمان می‌یابند تا منافع طبقاتی مشترک‌شان را پیگیری کنند، تمایز قایل می‌شد.

مارکس و فردریش انگلس در مانیفست کمونیست، با آگاه‌کردن کارگران از استثمارشدگی‌شان از سوی سرمایه‌داران سده نوزدهم، آن‌ها را تشویق به اتحاد کردند. سرمایه‌داران سده نوزدهم، کارگران را وامی‌داشتند که شرایط کاری بد، ساعت کار طولانی و دستمزد پایین را تاب آورند. دستمزدها به اندازه‌ای پایین بود که بسیاری از خانواده‌ها ناچار شدند کودکان‌شان را به منظور کمک به درآمد خانوار، سرکار بفرستند. مارکس و انگلس نوشتند که پرولترها دچار بیگانگی هستند. (هم بیگانگی از کار و هم بیگانگی از جهان به‌طور کلی) در مانیفست کمونیست، آمده است که طبقه‌های حاکم، به‌دلیل آن‌که کنترل نهادهای اجتماعی اصلی، مانند آموزش و دین را در دست دارند، می‌توانند ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را به‌گونه‌ای شکل دهند که اعضای طبقه پرولتاریا، خودشان را بابت شوربختی‌هایشان مقصر بدانند. فردی که خودش را سرزنش کند، متوجه نمی‌شود که دیگران نیز همین مشکل را دارند و از یافتن راه‌حلی مشترک برای این مشکلات عاجز است؛ بنابراین، مارکس و انگلس برآن بودند که آگاهی از سرشت استثمارگری روزافزون سرمایه‌داری، آگاهی طبقاتی را گریزناپذیر می‌سازد و کارگران سراسر جهان را در سرنگون ساختن سرمایه‌داری یاری می‌کند.

در نتیجه ما باید اولویت را هم‌زمان بر حل مشکلات درون تشکیلاتی و راهکارهای سیاسی را در مقابل جامعه قرار دهد.

در پایان، جا دارد از هزاران عضو و هوادار کومه‌له و حزب کمونیست ایران یاد کنیم که در میدان مبارزه و یا در زندان‌ها جان باختند.

از صدیق کمانگر و غلام کشاورز یاد کنیم که با ترور جمهوری اسلامی، جان خود را از دست دادند.

از کاک فواد سلطانی یاد کنیم که بزرگ‌ترین آرزویش تشکیل حزب کمونیست ایران بود و یا کاک «محمد حسین کریمی» از بنیان‌گذاران کومه‌له یاد کنیم که قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران، در سنگ‌فرش‌های کردستان در مبارزاتی نابرابر جان باختند.

از همه مادران و پدران یاد کنیم با وجود این که فرزندان خود را در صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران از دست دادند اما امروز به آرمان‌های کومه‌له و حزب کمونیست باور دارند و به خانواده‌های دادخواه معروف شده‌اند.

هم‌چنین، متأسفانه کومه‌له و حزب کمونیست ایران در دهه‌های اخیر دچار انشعاباتی شده است. بی‌تردید سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران برای همه‌شان بسیار خاطره‌انگیز و عزیز است. امیدوارم آن‌هایی که هنوز باورهای کمونیستی خود را حفظ کرده‌اند انگیزه به هم پیوستن و متحد شدن مجدد به همه‌شان دست دهد و به دلیل ضروریات تاریخی مبارزه سیاسی-طبقاتی و موقعیت حساس کنونی ایران، باز هم در یک صف متحد مبارزه طبقاتی و کمونیستی خود را پیش ببرند. این خواست و آرزوی رفقای بسیاری است که به دلایل مختلف صفوف مبارزه سیاسی حزبی ترک کرده‌اند و یا انشعاب داده‌اند. هم‌چنین جنبش‌های اجتماعی امروز جامعه ایران، به معنای واقعی چنین اتحادی را طلب می‌کند. رابطه سازمان‌ها و احزاب سیاسی باید سیاسی باشد نه خصمانه. دشمن اصلی همه آزادی‌خواهان ایران جمهوری اسلامی ایران است و به همین دلیل در عین حالی که هر جریانی مرز خود را حفظ می‌کند رورت مبارزه ایجاد می‌کند که با جریانات دیگر، بحث و نقد سیاسی داشته باشد. این‌جا بحث اتحاد همه باهم و یا همه گرایش‌های مختلف نیست، بلکه رابطه سیاسی خصمانه نباشد تا فضای سالم و سازنده‌ای برای نقد و بررسی سیاسی باز شود و روابط خصمانه و قهرکردن‌ها کنار گذاشته شود.

در عین حال، جواب آگاهانه و عامدانه، به فراخوان به هم پیوستن و یا رابطه سیاسی دوستانه داشتن، به معنی بازکردن پرونده‌های گذشته نیست، بلکه کنار گذاشتن هرگونه تفرقه‌گرایی و دوری و خصومت و حرکت به سوی نزدیکی و رفاقت و دوستی و مهم‌تر از همه، تقویت مبارزه سیاسی-طبقاتی علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری و کلیت جمهوری اسلامی ایران است. سه‌شنبه یازده شهریور ۱۴۰۴-دوم سپتامبر ۲۰۲۵

#### منابع:

۱. برگرفته از سخنان کاک فواد مصطفی سلطانی در تابستان ۱۳۵۸-۱۹۷۹، در مهاباد(فایل صوتی دوم، دقیقه ۹)
۲. برگرفته از سخنان کاک فواد مصطفی سلطانی در تابستان ۱۳۵۸-۱۹۷۹، در مهاباد(فایل صوتی دوم، دقیق ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵)
۳. برگرفته از سخنان کاک فواد مصطفی سلطانی در تابستان ۱۳۵۸-۱۹۷۹، در مهاباد(فایل صوتی دوم، دقیق ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹)
۴. برگرفته از سخنان کاک فواد مصطفی سلطانی در تابستان ۱۳۵۸-۱۹۷۹، در مهاباد(فایل صوتی دوم، دقیق ۱:۰۵ و ۱:۱۴ و ۱:۱۷)